



۲۰۱۸/۱۲/۲۹

گزارش گاردین

گزارش جدید گاردین از اتاق خاص کرام الدین کریم

او را در یک اتاق پنهان در گوشه دفتر کارش مورد تجاوز جنسی قرار داد و به او هشدار داد که هرگاه این موضوع را با رسانه های در میان بگذارد خودش و خانواده را خواهد کشت.

روزنامه گاردین در تازه ترین گزارش خود پیرامون اتهامات وارد شده به سارنوال کرام کریم رییس فدراسیون فوتبال به خاطر تجاوز جنسی و بدرفتاری با اعضای تیم فوتبال دختران جزییات تازه را منتشر کرده است.

در گزارش به نقل از یکی از بازیکنان تیم فوتبال که بنا به ملاحظات امنیت خود و خانواده اش از ذکر نامش پرهیز کرده، از موارد جدی تجاوز جنسی، بدرفتاری فیزیکی و تهدید به بازیکنان و یا اعضای خانواده های شان از سوی کرام الدین کریم پرده برداشته است.

یک بازیکن دختر به گاردین گفته است که کرام الدین کریم بعد از آن به صورتش مشت کوبید، لوله تفنگچه را به سرش گذاشته و سپس او را در یک اتاق پنهان در گوشه دفتر کارش مورد تجاوز جنسی قرار داد و به او هشدار داد که هرگاه این موضوع را با رسانه های در میان بگذارد خودش و خانواده را خواهد کشت.

یک بازیکن دیگر مدعی است که وقتی وی از هم خوابه گی با کرام الدین فرار کرد، او در مقابل اعضای تیم او را به قطع زبانش تهدید کرد و در موردی دیگر تلاش کرد که لباس های او را از تنش بیرون بیاورد. بازیکن سوم ادعا دارد که کرام الدین می خواست لب ها و گردن او را ببوسد اما وقتی وی از چنگش در رفت او را از تیم ملی اخراج کرد و به او اتهام زد که هم جنس باز است.

بازیکن دیگری هم مدعی است که کرام الدین تهمت هم جنس بازی بر وی وارد کرده است. گاردین می نویسد که کرام الدین به هیچ یک از موارد اتهامی خود به گاردین صحبت نکرده اما بعد از نشر گزارش اول وظیفه اش به تعلیق آمده است.

یکی از بازیکنان به گاردین گفته است که وی بعد از انجام تمرینات برای دریافت هزینه حمل و نقل به دفتر کرام الدین رفت. او می گوید من از وی کمک خواستم اما او از جا برخاست و خودش را به من نزدیک کرد و گفت: می بدنت را از نزدیک ببینم.

من مودبانه سعی کردم حرکات او را نادیده بگیرم و گفتم: ببین من پول حمل و نقل ندارم، کمک کنید، اگر نمی توانید لطفاً اجازه دهید بروم. کرام الدین گفت کمک می کنم و همین جا منتظر باش. گفتم که من خانه می روم. او گفت: نگران نباش، من برایت پول می دهم.

کرام الدین گفت که بیا به اتاق دیگر برویم. به اتاق دیگر داخل شدیم. فکرمی کردم به من کمک خواهد کرد. دنبال وی به اتاق دیگری رفتم، او طرف یک اتاق بعدی رفت که به یک اتاق تاریک دیگر راه داشت. داخل اتاق یک دروازه بود که به آسانی به چشم دیده نمی شد، مثل یک دیوار معلوم می شد که درست چشم کار نمی کرد اما دروازه باز بود. آن جا مثل یک اتاق هتل بود با تخت خواب و هرچیز دیگر به شمول تشناب. او برایم گفت که بیا داخل و دروازه را قفل کرد. به من گفت روی تخت دراز بکش. ترسیدم و تکان خوردم. او گفت: امروز می خواهم آن چیزی را ببینم که در پشت لباس هایت است. من برایش گفتم: مره ایلا کو... خانه می رم.

د پانو شمیره: له 1 تر 3

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

پاڼه: دلپکنې د لیکنيزې ښې پاڼوالي د لیکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله لیکنه له رالیرلو مخکې په څیر و لولئ

از جا بلند شدم و گفتم که خانه می روم. او گفت: هر قدر می خواهی چیغ بزنی، درین جا صدایت به گوش هیچ کسی نمی رود. سپس مرا طرف تخت تپله کرد. من دو باره ایستاده شده گفتم: مره ایلا کو... مه فقط بره کمک پیش تو آمده بودم. چیز دیگری نمی خایم. لطفاً ایلام کو که بروم.

او گفته می رفت که امروز معلوم خواهد شد که تو هم جنس گرا هستی یا نی. به خاطری تو در بین دختران مثل یک پسرک معلوم می شدی.
بازیکن دختر که در اتاق خلوت کرام الدین برده شده بود، چنین ادامه می دهد:

من برای مقابله با او از جایم بلند شدم مگر او به صورتم مشت کوبید و من روی تخت افتادم. سعی کردم بلند شوم طرف دروازه بروم؛ مگر چون دروازه (اتومات) صرفاً با تماس انگشت خودش باز می شد، امکان باز شدنش نبود. بنا برین من نمی توانستم بیرون بروم. او به صورت و دهانم به مشت زد. او او مرا می زد تا آن که روی تخت افتادم و بعد از آن همه چیز در نظرم تیره شد.

وقتی به هوش آمدم، همه لباس ها از تنم کشیده شده و خون همه جا را گرفته بود. تکان خوردم و نمی دانستم چه اتفاقی برایم افتاده است. تخت، ملامال از خون بود؛ خون از دهان، بینی و مهبل (دهانه آلت تناسلی) من جاری بود. به تشناب رفتم و صورتم را شسته و لباسهایم را پوشیدم. من برگشتم و برایش گفتم: من این مساله را به رسانه های خواهم گفت که درین جا چه کاری در حق من شد. او میله اسلحه را روی شقیقه ام گذاشت و گفت:

سیل کو همی حالی مه چه کاری درحقت کردم؟ می تانم ده فرقت بزنی و هر جا که باشی مغزت را بکشم. عین همین کاره می تانم به فامیلت بکنم. اگر زنده گی فامیلت ره میخایی، زیانته مھر کو!
سپس یک مقدار پول را به رویم زد و گفت بگیر و برو. او گفت که نمی خواهم طرف چهره ات سیل کنم. در را گشود و من از آن جا بیرون شدم.

او نمی توانست به خانواده اش درین باره چیزی بگوید. زیرا این مساله به ورزش صدمه می زد. سپس قربانی می گوید: احساس خوبی نداشتم. بعد از طریق اعضای تیم خبر شدم که رئیس فدراسیون فوتبال آوازه انداخته که من هم جنسگرا هستم و مرا با کدام دختری گرفتار کرده است و به همین خاطر مرا از فدراسیون اخراج کرده است. این برای من عصبانی کننده و خیلی خطرناک بود. من می دانم که خانواده ام در خطر است و می خواهم به خاطر آینده دیگر دختران سخن بگویم. می خواهم دختران یک محیط امن داشته باشند.

گاردین می پرسد که چرا این واقعه به مقامات حکومتی گزارش نشد؟
همین دختر می گوید که کرام الدین در داخل نظام و دولت از قدرت برخوردار است. او والی سابق پنجشیر و در سال 2004 رئیس دفتر وزیر دفاع بود. کسی نمی تواند در برابر وی بیایستد. او بسیار قدرت دارد. امروز دختران از ترس نمی توانند صدای خود را بلند کنند؛ آن ها ممکن است کشته شوند.
اشاره: این دختر ها چرا با پای خود به اتاق سکس می رفتند؟

یک دختر دیگر فدراسیون فوتبال گفت که از وی خواسته شد که همراه با یک عضو دیگر فدراسیون به دفتر کار کرام الدین کریم بروم. من از شخصیت وی شناختی نداشتم. کرام الدین روی یک کوچ کنارم نشست و شروع کرد به صحبت و عشقبازی بامن. دست در بدنم برد و سعی کرد از من بوسه بگیرد. من به گریه درآمدم؛ ترسیده و هیجانی شده بودم و تلاش کردم او را از خود دور کنم.

دختر می گوید که فریاد کشیدم؛ بروی حمله کرده و از دستش فرار کردم. وی می گوید بعد از آن مدت یک ماه خودم را از دیده ها پنهان کردم. احساس ضعف داشتم و قادر به همسرانی این داستان نبودم. درعین حال فدراسیون فوتبال به خصوص شخصی رئیس فدراسیون (کرام الدین) پیوسته به من زنگ می زد. بر من فشار می آورد و مرا مجبور کرد دو باره برگردم؛ به خاطری که این مساله می توانست تصویر او را در انظار دیگران مخدوش سازد. هر زمانی که به تمرینات می رفتم، کرام الدین هم می آمد و درمحضر دیگران صدا می کشید که من آدمی بی ادب هستم. من زیاد با اش صحبت کردم اما مستقیم مرا تهدید کرد و گفت زبان مرا قطع کرده و مرا برای همیشه خاموش خواهد ساخت. از بد رفتاری و آزار و اذیت من دست بردار نبود.

د پانو شمیره: له 2 تر 3

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پټه له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلپکنی د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله لیکنه له رالیولو مخکي په خیر و لولی

باری برای تمرینات، زود تر به فدراسیون رفتم. روی چوکی نشسته منتظر اعضای تیم بودم. او دید که من در ساحه کمره های امنیتی نشسته بودم. پس به من از طریق تلفن تماس گرفت. من نادیده گرفتمش اما خودش آمد و از من دعوت کرد نزدش بروم. کاری از دستم پور نبود. به دنبالش راه افتادم. او پیش رفت و از چهار دروازه گذشتیم. خودش جلو می رفت و از طریق تلفن گفته گفته رهنمایی می کرد که من باید به کجا بروم. بعد از عبور از چهار دروازه، به یک اتاق خواب رسیدم. آن جا مانند هتل پنج ستاره بود با یک آئینه و میلمان فیشنی، یک تخت خواب، لوازم خانم ها، عطر و چیزهایی ازین دست در الماری چیده شده بودند. از دیدن آن چیز ها قصه هایی را به یاد آوردم که درین باره شنیده بودم. ترسیدم و به گریه درآمدم. فکر کردم که آن لحظه پایان زنده گی من بود. کرام الدین لچ و برهنه در انتظار من بود. وقتی شروع به گریه کردم، او به سوی من دوید و مرا گرفت و شروع کرد به کشیدن پیراهنم. من چیغش کرده و با وی در کشاکش بودم. من خوش شانس بودم. در آن لحظه تلفنش زنگ زد و من به چیغ و فریادم دوام دادم. مرا به سختی تپله داد که ساکت شوم مگر من از چیغ و فریاد دست بردار نشدم. او گزینه ای نداشت جز این که دروازه را گشود و من از آن جا بیرون زدم.

سومین بازیکن دختر ادعا کرد که من زمانی این حالت را تجربه کردم که برای گرفتن امضای کرام الدین کریم به دفترش رفتم. سعی کردم او را از خودم دور کنم اما وی برای گرفتن یک پوسه از لب ها و گردنم در تقلا بود. برایش گفتم که تو در جایگاه پدر بزرگ هستی و چطور می توانی این کار را کنی؟ او گفت پس نمی فهمم چرا در بیرون رفتار تو با من یک رقم عجیب بود ... چرا که من با او رفتار صمیمی داشتم. من گفتم که او فقط یک دوست من است. او آدم اجتماعی بود. برایم گفت که رابطه دوستی ما به رابطه جنسی می انجامد. من گفتم از شنیدن این چیز ها نفرت دارم. بمان که بروم. او را هل دادم و از اتاق خارج شدم.

اولین کار او بیرون کردن نام من از لیست تیم ملی بود که قرار بود برای یک دوره آموزشی رهسپار خارج از کشور شود. از آن پس او مرا در انتظار دیگران توهین می کرد و مرا به هم جنس گرایی متهم می کرد و سرانجام مرا از فدراسیون فوتبال بیرون انداخت.

گاردین در پایان می نگارد که حمایت سراسری از دستور تحقیقات درین باره از سوی دکتر غنی وجود دارد اما خود سه بازیکن نسبت به نتایج آن باور اندک دارند. یکی از آنان گفت که به دولت اعتماد ندارد. دیگرش اظهار داشت که کرام الدین یک فرد قدرتمند در حکومت است. او بسیار نفوذ و سرمایه دارد. او می تواند آدم ها را بخرد. او از فیفا و فعالان حکومت های خارجی درخواست کرد که درین باره دست به اقدام بزنند.

پایان ترجمه گزارش روزنامه گاردین

د پانوی شمیره: له 3 تر 3

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکني د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله لیکنه له رالیولو مخکي په خیر و لولئ